

ازدواج از منظر اقتصاد حقوق

Marriage From the Perspective of Economics of Law

A. Tazikinejad, M.S.

علی تازیکی نژاد ✉

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات گرگان، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مفید قم

J. Shafihi Sardasht, M.S.

جعفر شفیعی سردشت

دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

E. Shamsyan, M.S.

اسماعیل شمسیان

دانشجوی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه سمنان

دریافت مقاله: ۸۹/۴/۱۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۴

Abstract

Marriage law, as part of general pattern of family- is a policy instrument that defines optimal behavioral standards for matrimonial relationship through ordaining sanctions.

Imposing such standards regardless of their consequences may result in anxiety in the family institution and subsequently in the society itself and may raise the motivation of defensive behaviors among people and as a result will increase the cost of legislative and judicial system.

Economic approach to the marriage law with analyzing aftermath of laws

چکیده

حقوق ازدواج به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر نهاد مقدس خانواده، ابزار سیاستی است که با وضع ضمانت‌های اجرایی خاص خود، سعی می‌کند استانداردهای مطلوب رفتاری زوجین فعلی و آتی را مشخص نماید. به عبارت دیگر سعی دارد وضعیت نهاد خانواده و بازیگران آن را به سمتی سوق دهد که حتی‌الامکان منطبق بر الگوی مورد قبول عقل جمعی و شرع حاکم بر آن جامعه باشد. وضع این استانداردها، بدون توجه به پیامدهای آن، نهاد خانواده و متعاقب آن جامعه را با تشویش مواجه ساخته و انگیزه‌های رفتاری تدافعی را در افراد تقویت می‌نماید و در هر صورت هزینه‌های نظام قانونگذاری و قضایی را افزایش می‌دهد.

✉Corresponding author: Department of Law, Olom o tahghigat, Azad University, Gorgan, Iran.
Tel: +9801713332074
Email: rtaziki@gmail.com

✉نویسنده مسئول: استان گلستان، شهرستان گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه حقوق
تلفن: ۰۱۷۱-۳۳۳۲۰۷۴
پست الکترونیکی: rtaziki@gmail.com

on couple's behavior is looking for minimizing marriage costs including couple, society and judiciary system costs, and maximizing the cost of its inefficient breach. Incentive role of family law and its supplements, such as labor laws, tax and employment affairs etc., on the rate of marriage and divorce, the amount of dowry and other couple's decisions is a topic that economics of family law is recently very focused on. This article, in the form of "contract" and "market" and by using of concepts including costs, benefits, efficiency, competition and monopoly will present the economic analysis of marriage and other related legal concepts and is to introduce a new approach to Iranian family legislators and judges.

Keywords: Marriage, Economics of Law, Contract, Market.

رویکرد اقتصادی به حقوق ازدواج، با مطالعه پیامدها و نتایج قوانین بر رفتار زوجین، به دنبال حداقل-سازی هزینه‌های ازدواج - شامل هزینه‌های زوجین، جامعه و نظام قانونگذاری و قضایی - و افزایش هزینه‌های نقض ناکارآمد آن است. نقش انگیزشی قوانین خانواده و قوانین مکمل آن - قوانین کار، امور استخدامی، مالیاتی و غیره - در نرخ ازدواج و طلاق، میزان مهریه و سایر تصمیمات زوجین، موضوعی است که در اقتصاد حقوق خانواده مورد توجه جدی قرار دارد. نوشتار حاضر، در قالب دو عنصر «عقد» و «بازار» و با استفاده از مفاهیم هزینه، منفعت، کارآمدی، رقابت و همکاری، اطلاعات نامتقارن و غیره، به بررسی اقتصادی ازدواج و مفاهیم حقوقی وابسته به آن می‌پردازد و بدین‌گونه رویکردی نوین را به قانونگذاران و قضات امور خانواده ایران معرفی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، اقتصاد حقوق، عقد، بازار.

مقدمه

ازدواج، به عنوان بخشی از مباحث خانواده، از جمله موضوعاتی است که پیرامون آن رشته‌های مختلفی همچون فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد و غیره تحقیق و کنکاش نموده‌اند. اهمیت و گستره این موضوع چنان است که امروزه پژوهشگران و اندیشمندان در جهت درک صحیح‌تر آن به مطالعات میان‌رشته‌ای روی آورده‌اند.

اقتصاد حقوق ازدواج - گرچه عده‌ای آن را مورد تردید قرار داده‌اند با این حال - نمونه‌ای از این مدعاست. این واقعیت که واژه اقتصاد^۱ بر اساس کلمه یونانی «وکونوموس»^۲ به معنای خانواده بنا نهاده شده است، نشان می‌دهد که همزیستی خانواده و مباحث آن با مباحث اقتصادی موضوع جدیدی نیست و ریشه‌ای دیرینه دارد (گراسبارد - شتمن و لمنیسیپر، ۲۰۰۰: ۶۶۵). با این حال اعمال

تحلیل اقتصادی بر حقوق خانواده و ازدواج تازگی دارد و به طور رسمی از سال ۱۹۷۳ با مقالات گری بکر - برنده جایزه نوبل - آغاز شد (سیا، ۲۰۰۳: ۲).

از منظر اقتصاد حقوق، ازدواج به مثابه «بازاری است که در آن زوجین آتی در خصوص تعهدات بلندمدت به توافق می‌رسند». بنابراین دو مفهوم «عقد» - توافق در خصوص تعهدات بلندمدت - و «بازار» عناصر اساسی ازدواج را از منظر اقتصاد حقوق تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر طرفین هنگام عقد باید اولاً، چنان اطلاعات خود را کامل نمایند تا طرفین و تعهدات مورد قبول حتی‌الامکان منطبق بر خواسته‌های آنان باشد، یعنی ترتیبات حقوقی به گونه‌ای باشد تا با حداقل هزینه ممکن اطلاعات ناقص را کامل کرده و از بروز وضعیت انتخاب بد و نامناسب^۳ جلوگیری شود. ثانیاً، با توجه به بلندمدت بودن این نوع قرارداد، امکان تخطی هر یک از طرفین از شرایط مورد قبول را کاهش دهد و مخاطرات اخلاقی^۴ را به حداقل رساند و یا در صورتی که شرایط فسخ یا تعدیل قرارداد پدید آید، منافع طرفین تأمین شود.

در این نوشتار ابتدا مفهوم عقد ازدواج از منظر حقوق و اقتصاد بیان می‌شود. آن‌گاه، رویکردی اقتصادی به شروط ضمن عقد و نمایندگی در عقد ازدواج خواهیم داشت. در بخش‌های بعد ضمن مقایسه بازار ازدواج با دیگر بازارها، ویژگی‌ها، قواعد و نارسایی‌های این بازار تبیین می‌گردد. در سراسر این نوشتار سعی بر آن است از مباحث مختص حقوق ازدواج ایران، غفلت نشود و پاره‌ای از مسائل مستحدثه با نگرش اقتصاد حقوق، مورد بررسی قرار گیرد.

قبل از شروع بحث ذکر این نکته ضروری است که پاره‌ای از اندیشمندان ممکن است ایراد کالایی نمودن نهاد خانواده را بر این تحقیق وارد نمایند. در پاسخ این‌گونه بیان می‌گردد که نگارندگان نیز معتقد به تحلیل و اعمال صرف اقتصاد حقوق بر نهاد ازدواج و خانواده نیستند و بر این باورند که اخلاق و مذهب مهم‌ترین و عمده‌ترین منبع حقوق خانواده قلمداد می‌شود و مهم‌ترین کارکرد را در نهاد خانواده ایفا می‌کند؛ با این حال بررسی حاضر را به عنوان عاملی موثر در کنار سایر عوامل، مفید ارزیابی می‌نمایند. به دیگر سخن، گرچه در نهاد ازدواج، مباحث روحی و معنوی از ارجحیت خاصی برخوردارند، با این حال هیچ کس نمی‌تواند ارتباط مستقیم و غیرمستقیم این نهاد با مباحث اقتصادی - حقوقی و تأثیر این مباحث بر تصمیم‌سازی‌های زوجین فعلی و آتی را منکر شود. البته، باید توجه نمود که ایجاد یک مدل، تنها برای توجیه، تحلیل و شبیه‌سازی بخش‌های مهم یک واقعیت بیرونی است و لزوماً با آن یکسان نیست. لذا، اگر تصور یک بازار در امر ازدواج به هدف ما در این رابطه کمک کند، مجاز بوده و توصیه می‌شود. در این نوشتار هر یک از زوجین (معامله‌گران) اولاً سعی دارند مطمئن شوند آیا طرف مقابل همان ویژگی‌های مدنظر را داراست و آیا آمادگی پذیرش تعهدات خاصی را دارد؟ ثانیاً، آیا امکان حصول توافقی که منافع^۵ دو طرف را تأمین نماید وجود دارد

یا نه؟ ثالثاً، آیا این توافق طی زمان طولانی پایدار خواهد بود؟ ضمانت‌های اجرایی و اسباب پایداری آن چیست؟ و در نهایت ابزارهای طرفین جهت تأمین منافع خود (لااقل از نظر اقتصادی) چیست؟

۱. عقد ازدواج

ازدواج عقد است. این امر موضوعی است که تقریباً همه نظریه‌پردازان حقوقی و اقتصادی در خصوص آن اتفاق نظر دارند. در ادبیات اقتصادی، ازدواج به عنوان یک «قرارداد بلندمدت منحصر به فرد» توصیف شده است (کوهن، ۱۹۸۷: ۲۶۷). در ادبیات حقوقی، ازدواج به عنوان «قرارداد تشکیل خانواده و خویشاوندی که دارای دو عنصر تعهد و انحصاریت جنسی است» تعریف شده است (راسموسن و استیک، ۱۹۹۸: ۴۷۹).

مرد تعهد می‌کند که شوهر باشد و زن متعهد می‌شود تا همسر وی باشد. هر یک متعهد می‌شوند که با وجود پستی و بلندی‌های شدید و بسیار در طول زندگی، به تکالیف خود همراه با عشق، علاقه و احترام عمل نمایند. این موضوع در عقد ازدواج، بیشتر از هر قرارداد دیگری، حائز اهمیت است. با این حال، در ادبیات حقوقی این بحث وجود دارد که ازدواج به عنوان یک رابطه قراردادی، بهتر قابل تبیین و بررسی است یا هنگامی که به عنوان یک رابطه قانونی در نظر گرفته می‌شود؟ برخی به توصیف ازدواج به عنوان یک قرارداد ایراد گرفته و با توجیهات ذیل آن را بیشتر مبتنی بر قانون می‌دانند:

۱. تعهدات طرفین در هنگام انعقاد قرارداد ازدواج کلی، مبهم و نامشخص است (کلارک، ۱۹۶۸:

۳ و ۲).

۲. حقوق و تعهدات ازدواج عمدتاً از سوی دولت تعیین می‌شود (بابکوک، ۱۹۷۸: ۵۶۴).

۳. یکی از تعهدات طرفین در ازدواج، دوست داشتن و عاشق بودن دیگری است. درحالی که این عمل نه ارادی بوده و نه تعهد و قول در خصوص آن، می‌تواند ضمانت اجرا داشته باشد (کوهن، ۲۰۰۴: ۱۱).

ایرادات فوق‌الذکر را نمی‌توان اساسی دانست. این ایرادات بیشتر ویژگی‌های خاص این قرارداد را برجسته می‌سازد. گرچه مسئله نظم عمومی باعث شده اکثر نظام‌های حقوقی به مقررات‌گذاری در حوزه ازدواج و خانواده بپردازند، اما این امر منافی عقد بودن ازدواج، یعنی توافق اراده‌های انشایی طرفین نیست. از طرف دیگر، مبهم و کلی بودن تعهدات زوجین منحصر به ازدواج نیست. در قرارداد کار نیز عموماً تکالیف کارگران به طور منجز و مشخص مقرر نمی‌شود (عراقی، ۱۳۸۶: ۲۰۳-۲۰۴). در خصوص ماهیت غیرارادی عشق نیز می‌توان این گونه پاسخ داد که اولاً هر یک از زوجین متعهد می‌شوند در صورتی که عشق و علاقه آن‌ها به طرف مقابل از بین برود، عهده‌دار ریسک‌های آن باشند. به بیان دیگر، از این منظر ازدواج به مانند بیمه، قراردادی همراه با پذیرش ریسک است. ثانیاً، تعهد به دوست داشتن و عاشق یکدیگر بودن توسط زوجین می‌تواند این گونه تفسیر شود که آن‌ها با

ازدواج، تعهد می‌نمایند عاشق همسر دیگری نشوند (کوهن، ۲۰۰۴: ۱۱). به همین دلیل است که عده‌ای از اقتصاددانان حقوقی، عقد ازدواج را به عنوان پیام و علامت^۸ می‌دانند (نس، ۲۰۰۴: ۱۲۹ و روژرون، ۲۰۰۴: ۱۳۲).

با توجه به این که عقد ازدواج، تعهدات سنگین مالی و عاطفی را متوجه زوجین می‌نماید که خروج از آن با تبعات سنگینی برای ایشان همراه است، آن‌ها قرارداد ازدواجی را منعقد می‌نمایند که اولاً، علی‌رغم اطلاعات نامتقارن زوجین از یکدیگر، بهترین انتخاب ممکن انجام شود و از بازدهی مناسبی نیز برخوردار باشد،^۹ ثانیاً، خروج از آن به راحتی امکان‌پذیر نباشد، تا بدین وسیله از سرمایه-گذاری‌های^{۱۰} هر یک، به خوبی حفاظت شود. قرارداد ازدواج می‌تواند اثر یک قاعده مالکیت^{۱۱} یا یک قرار توقیف را برای ناقض آن به همراه داشته باشد، یعنی زوجین به راحتی نمی‌توانند این قرارداد را فسخ یا اقاله نمایند. ضمن این که خروج از این قرارداد، عموماً برای آن‌ها بار مالی به بار خواهد آورد. در مقایسه، هنگامی که امر طلاق به سهولت امکان‌پذیر باشد این امر می‌تواند طرفین را به سمت رفتارهای فرصت‌طلبانه یا مخاطره اخلاقی سوق دهد (کراوس، ۲۹۲: ۲۰۰۰). این عقد هر یک از زوجین را به تولید سرمایه‌های خاص ازدواج^{۱۲} ترغیب می‌نماید. به عنوان مثال، درنکاح دائم، داشتن فرزند به عنوان یک کالای مشترک و خانگی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و زوجین در این خصوص، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند. این عقد هم‌چنین ویژگی پیام‌رسانی و علامت‌دهی دارد، بدین معنا که پذیرش آن، نشانه تعهد جدی طرفین است. کارایی اقتصادی ایجاب می‌نماید طرفین نسبت به انجام مشاوره‌های حقوقی و روان‌شناختی پیش از ازدواج اقدام نمایند تا در خصوص مسئولیت‌ها و الزامات این نوع ازدواج آگاه شوند.

۱-۱- شروط ضمن عقد

پیرامون شروطی که به طور صریح و رسمی توسط هر یک از زوجین ذکر شده و در عقد ازدواج وارد می‌شود، کارکردها و توجیهاات متفاوتی می‌توان ارائه داد که در ذیل به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. این شروط به عنوان جزئی از عقد ازدواج، برای زوجین آتی، کارکرد پیام‌دهی دارد (روژرون، پیشین: ۱۳۳). بدین معنا که معیارهای خاص طرفین پیرامون ازدواج را روشن ساخته و اطلاعات مفیدی به همسر آینده می‌دهد. بنابراین، با تعدیل بخشی از کاستی عدم تقارن اطلاعات در بازار ازدواج، وصلت‌های کارآمدتری را موجب می‌شود.

۲. موجب تخصیص کارآمدتر حقوق و وظایف زناشویی می‌شود (راسموسن و استیک، پیشین: ۴۶۷). شروط ضمن عقد از زوجین و نیز فرزندان در برابر همسران فرصت‌طلبی حمایت می‌کند که در هنگام انعقاد قرارداد ازدواج، درصد ابهام‌آفرینی در تکالیف خود هستند تا در مرحله بعدی از انجام آن وظایف طفره رفته و خودداری نمایند. این حمایت با توجه به قاعده «العقود تابعه للقصد»

(اصاله‌اللزوم) از طریق ضمانت اجراهای قانونی امکان‌پذیر است. به طوری که ضمن کاهش ریسک و عدم اطمینان از یک سو و کاهش هزینه‌ها از سوی دیگر، باعث افزایش کارایی می‌گردد.

۳. شروط ضمن عقد، عموماً بیانگر موضوعاتی است که در زندگی آینده زوج یا زوجه آتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. این شروط، اهداف و برآیند کلی زندگی آتی را به تصویر کشیده و تصمیم‌سازی‌های آتی زوجین را آسان می‌نماید. این امر به نوبه خود، موجب کاهش هزینه‌های چانه‌زنی بعد از ازدواج در خصوص تخصیص سرمایه‌های مالی، غیرمالی و حتی عاطفی خانواده می‌گردد. برای مثال، در مورد اشتغال زوجه، محل زندگی، تعداد فرزندان و به طور کلی سبک زندگی، توافق می‌شود. وجود فهرست مفروضی از شروط ضمن عقد در قباله‌های ازدواج - که طرفین یک یا چند مورد از آن‌ها را انتخاب می‌کنند - به کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های معاملاتی کمک می‌نماید.

۴. این شروط با اطمینانی که برای مشروط‌له به وجود می‌آورند موجب افزایش مشارکت وی در سرمایه‌گذاری‌های خاص ازدواج و تولید کالاهای خانوادگی^{۱۱} - شامل فرزندان، آبرو، اعتبار، سلامتی، آموزش، ایمنی و نوع‌دوستی - می‌شود و در عین حال، کیفیت آن را نیز ارتقا می‌دهد. به دیگر سخن، شروط ضمن عقد آثار خارجی مثبت^{۱۲} ناشی از سرمایه‌گذاری خاص ازدواج را درونی می‌سازد، یعنی طرف مقابل را به پرداخت هزینه منافی ترغیب می‌کند که از اقدام دیگری تحصیل کرده است (سائوسیسی، ۲۰۰۶: ۹). پیرامون آثار خارجی مثبت، می‌توان به مثال معروف بهره‌مندی زنبورهای عسل یک زنبوردار از مزرعه گل مجاور اشاره نمود. در صورتی که زنبوردار مبلغی را به پرورش‌دهنده گل بپردازد باعث کارایی بیشتر بازار خواهد شد. برای نمونه، در خانواده نیز همسر خوب و پارسا باعث سربلندی مرد و تربیت بهتر فرزندان (که متعلق به زوجین است) می‌گردد. لذا، با شروط ضمن عقد می‌توان نظر زوجه را تأمین و انگیزه وی را بیشتر نمود.

۵. شروط ضمن عقد ازدواج، می‌تواند برای مشروط‌له، نوعی بیمه باشد. بیمه در مقابل مخاطرات احتمالی که مشروط‌له درباره آن‌ها احساس عدم امنیت می‌کند. باید توجه داشت هنجارهای زناشویی که مبهم، مجمل یا غیرمدون باشند، به راحتی زیر پا گذارده خواهند شد.

۶. شروط ضمن عقد با پر نمودن خلأهای قانونی و عرفی ازدواج، موجب ثبات بالاتر زندگی زناشویی و متعاقب آن کاهش نرخ طلاق می‌شود (اسکات، ۱۹۹۰: ۷۹ و ۸۰). برای مثال، ممکن است شرط ضمن عقد سکونت در شهری مشخص، موجب آرامش عاطفی زوجین شود و یا شرط تحصیل زوجین، باعث ارتقای سطح فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایشان گردد.

۷. شروط ضمن عقد، میزان احتیاط لازم^{۱۳} طرفین را در هنگام انعقاد قرارداد ازدواج، تقویت می‌کند. با درج این شروط، پرده عشق کورکورانه کنار زده می‌شود و طرفین در خصوص زندگی مشترک آتی با دقت و احتیاط بیشتری تصمیم‌گیری می‌نمایند (سائوسیسی، پیشین: ۱۰).

۸. شروط ضمن عقد، نشان‌دهنده اولویت‌ها و ترجیحات فردی اشخاص است (همان: ۱۱). اولاً، این اولویت‌ها ممکن است از فردی به فرد دیگر تغییر نمایند. ثانیاً، اولویت‌های مزبور در مقایسه با زمانی که توسط دولت وضع می‌شوند، ثبات بالاتری دارند و سراسر زندگی زناشویی زوجین را فرا می‌گیرند. مورد اخیر مبتنی بر این ایده است که خانواده، نهادی مستمر و دائمی است و حتی اگر قانون، پایان آن را اعلام نماید (برینینگ، ۲۰۰۰: ۲۲۰) اثرات و تبعات آن مانند فرزندان یا اقساط مهریه، به گونه‌ای خاص باعث ادامه حیات آن می‌شود.

۹. طبق تحقیقات انجام‌شده در ایالات متحده، تعداد شروط ضمن عقد میان افراد ثروتمند و افرادی که برای بار دوم ازدواج می‌نمایند، به مراتب بیشتر از سایر افراد است. این موضوع، اهمیت این شروط و توافقات قراردادی را نشان می‌دهد (بیکس، ۱۹۹۸: ۲۲۰).

۱۰. برخی اقتصاددانان، «قانونگذاری در حوزه خانواده و پیش‌بینی همه جزئیات رفتاری زوجین از جمله تعیین حقوق و تکالیف متقابل در قوانین» را به مثابه جلوس پشت پرده جهل^{۱۴} می‌دانند و به عنوان یک راه‌حل بیان می‌کنند: «...پرده جهل می‌تواند و باید با کمک هزاران تصمیم‌ساز فردی کنار رود. تصمیم‌سازانی که با آگاهی کامل از وضعیت خود به انتخاب قواعدی می‌پردازند که با اهداف و انتخاب شخصی‌شان مناسب باشد» (راسموسن و استیک، پیشین: ۴۶۴). این تصمیم‌سازان فردی همان زوجین بالقوه هستند و درج شروط ضمن عقد، بهترین فرصت برای هر یک از آنان در نیل به خواسته‌های خود تلقی می‌شود. این ایراد می‌تواند مطرح گردد که شروط ضمن عقد ممکن است توسط طرف قوی‌تر قرارداد بر طرف ضعیف‌تر - فرد عاشق‌پیشه - تحمیل گردد و ناعادلانه باشد (شروط تحمیلی). در پاسخ باید گفت قدرت چانه‌زنی هر یک از زوجین و انگیزه آن‌ها برای مذاکره و همکاری، به الزامات قانونی بستگی دارد که بر ازدواج آن‌ها حاکم است.

قانونگذار در مواردی که به نظم عمومی مربوط می‌شود به طور امری، حداقل‌های حمایتی را مشخص می‌نماید و مانند توافقات حقوق کار (عراقی، پیشین: ۱۶۸) این شروط تنها می‌توانند مزایای بیشتری را برای طرف ضعیف‌تر به ارمغان آورند. به عنوان مثال، مطابق ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی؛ «هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالآثر باشد، زن او می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند و در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ - سه مرتبه آگهی در روزنامه و گذشت یک سال از اولین آگهی - حاکم او را طلاق می‌دهد». حال آن‌که در قباله‌های ازدواج به صورت شرط ضمن عقد ذکر شده است: «در صورتی که زوج مفقودالآثر شود و ظرف مدت ۶ ماه پس از مراجعه زوج به دادگاه پیدا نشود» و همچنین در صورتی که «زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند و یا ۶ ماه متوالی از نظر دادگاه غیبت نماید»، زوج، وکالت بلاعزل در طلاق دارد. توافق طرفین در انتخاب این شروط، گرچه مخالف ماده مذکور می‌باشد، اما بدین جهت که حمایت بیشتری از زن به عمل می‌آورد، پذیرفته شده است.

۲-۱- وضعیت اصیل - عامل^{۱۵} در عقد ازدواج

ماده ۱۰۷۱ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «هر یک از مرد و زن می‌تواند برای عقد نکاح، وکالت به غیر دهد». مطابق ماده ۱۰۷۲ قانون مدنی این وکالت می‌تواند تام و مطلق باشد. بنابراین، در حقوق ایران وضعیت اصیل - عامل اختیاری در عقد ازدواج پذیرفته شده است و عامل مرد یا زن - اعم از والدین یا دیگران - می‌تواند طبق اوصاف ابرازی اصیل خود، وی را به دیگری تزویج نماید. صورت دیگر این وضعیت، مداخله دولت‌های پدرسالار^{۱۶} از طریق وضع قوانین کامل، جزئی و دقیق پیرامون ازدواج است که با تحمیل شروط قانونی به زوجین، گویی، عامل - اجباری - آنان در انتخاب هستند. حالت شدیدتر وضعیت اصیل - عامل اجباری را می‌توان در پاره‌ای از جوامع سنتی مشاهده کرد که فرزندان از حق انتخاب جفت محروم بوده و والدین، عامل اجباری فرزندان خود در انعقاد قرارداد ازدواج محسوب می‌شوند. تحلیل اقتصادی این گونه ازدواج‌ها که در آن زوجین از سوی دیگران انتخاب می‌شوند تاکنون به طور رسمی در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است (زلدر، ۱۶۰: ۲۰۰۴). پاره‌ای از اقتصاددانان حقوقی معتقدند (پیشین: ۱۶۱) این ازدواج‌ها:

۱. ممکن است همراه با وضعیت بهینه پارتو^{۱۷} نباشند. چرا که اگر این افراد با دیگری ازدواج کنند، ممکن است حداقل یکی از آن‌ها وضعیت بهتری پیدا کند، بدون این‌که وضعیت دیگری بدتر از قبل شود. به سخن بهتر، یا هر دو خوشبخت‌تر خواهند شد یا یکی از آن‌ها خوشبخت‌تر می‌شود و بهبودی در وضعیت دیگری ایجاد نمی‌گردد.
۲. حتی اگر بهینه پارتویی باشند، با توجه به این‌که بیشینه مطلوبیت والدین با فرزندان متفاوت است، ضرورتاً به بیشینه شدن تولید کل ازدواج (یعنی رفاه کل اجتماع) منتهی نمی‌گردند.
۳. ممکن است دارای ناکارآمدی کالدور - هیکس^{۱۸} باشند. به دیگر سخن، زبان وارده به فرزندان که در وضعیت ازدواج ترتیب داده شده، قرار می‌گیرند، می‌تواند از منفعت والدین آن‌ها از این ازدواج فراتر رود. در این راستا گری بکر^{۱۹}، اندیشمند برتر اقتصاد حقوق خانواده، عنوان می‌نماید: «در صورتی که خانواده‌های سنتی یک زوج ناراضی، از پیوند زناشویی آنان سود ببرند، ممکن است آنان را از طلاق برحذر دارند» (بکر، ۱۹۹۱: ۳۴۶).

با این حال زمانی که تصمیمات فرزندان و والدین هم‌سو است یا هنگامی که فرزندان با برخوردار از ابزار قراردادی خود، والدین‌شان را نیز به عنوان عامل به همراه دارند - آن گونه که در عرف خانواده‌های ایرانی مرسوم است - نه تنها نتایج فوق‌الذکر موردی نخواهد داشت، بلکه احتمالاً کارایی بالاتری را نیز شاهد خواهیم بود. بنابراین اجازه پدر و جد پدری در خصوص ازدواج دختر باکره (وفق ماده اصلاحی ۱۰۴۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰) احتمالاً کارایی بالاتری را ایجاد می‌نماید. زیرا، ولی قهری دارای تجربه بیشتر است و به دور از احساسات تصمیم می‌گیرد و می‌تواند در

ازدواج زوج به عنوان مشاور و در ازدواج زوجه به عنوان مشاور و تصمیم‌گیرنده نقش ایفا نماید. به سخن دیگر، اذن پدر و جد پدری تأییدی بر انتخاب صحیح زوجه باکره است.

۲. بازار ازدواج

ازدواج، به مثابه بازار است. بازاری که در آن هر یک از زوجین آتی پس از انتخاب عقلایی و انعقاد قرارداد، یک بنگاه عموماً غیرتجاری را تشکیل می‌دهند و به تولید کالاهای مشترک و ارزشمند اقدام

می‌کنند (گراسبارد، ۲۰۰۷: ۳). این بازار، نسبت به دیگر بازارها تفاوت‌هایی دارد که از این قرارند:

۱. در بازار ازدواج، ارتقای رفاه سایر اعضای خانواده - همسر و فرزندان - از اهمیت وافر برخوردار است و عموماً به دلیل وابستگی روحی میان اعضا، تعهدات زوجین نسبت به یکدیگر، در مقایسه با تعهدات قانونی آن‌ها برجسته‌تر است. در مقابل، انسان عقلانی^۲ در دیگر بازارها در راستای منفعت شخصی، معمولاً به حداقل‌های قانونی عمل می‌نماید و به منفعت دیگران تا آنجا اهمیت می‌دهد که منفعت وی نیز تأمین شود و در صورت بروز تعارض، نفع شخصی را بر نفع طرف مقابل ترجیح می‌دهد (ولجانوسکی، ۲۰۰۶: ۵۰) و اگر زمانی نیز همکاری با دیگران را ترجیح دهد، فقط به خاطر منافع مادی حال و آینده خود است.

۲. در دیگر بازارها، روابط عموماً موقتی بوده و افراد، به ندرت انگیزه توجه به علایق و احساسات طرف مقابل را دارند، درحالی که ازدواج با این قول و تعهد همراه است که روابط زوجین در تمام طول زندگی مشترک بر مبنای عشق، عاطفه و احترام تداوم داشته باشد (پارکمن، ۲۰۰۴: ۵۸). حتی در بازی‌های تکراری نیز اثری از احساسات و عواطف، آن‌گونه که در یک خانواده بحث می‌شود، وجود ندارد.

علی‌رغم تفاوت‌های عنوان‌شده، در این بازار به مانند سایر بازارها قوانین عرضه و تقاضا، رقابت و انحصار، نارسایی‌ها و هزینه‌هایی وجود دارد که در ذیل به این مباحث پرداخته می‌شود.

۲-۱- عرضه و تقاضا

ازدواج، نهادی برای برقراری و ایجاد یک اتحاد دائمی است. این نهاد، دارای کارکرد «پیام‌دهی» است. این کارکرد به کسانی که دارای اهداف مشابهی هستند، اجازه می‌دهد تا یکدیگر را به عنوان داوطلبان احتمالی و مناسب یک ازدواج موفق بشناسند و بدین وسیله همسریابی بهینه تسهیل شود (عرضه و تقاضا در ازدواج). پس از انعقاد قرارداد ازدواج، این پیام به دیگر اعضای بازار - جامعه - ارسال می‌شود که متعاقباً از عرضه و تقاضای بازار خارج شده‌اند (اسکات، ۲۰۰۴: ۳۹). ذکر این نکات در خصوص عرضه و تقاضا در بازار ازدواج مفید به نظر می‌رسد (گراسبارد، پیشین: ۱۲):

۱. هرچه بهره‌وری زنان در ازدواج بالاتر باشد - از قبیل مدیریت بهتر فعالیت‌های درون خانه، تحصیلات بالاتر، آشنایی با هنرهای مختلف، ذوق و سلیقه بهتر، درآمد بالاتر و حتی زیبایی ظاهری بیشتر و غیره - به فرض ثبات سایر شرایط، مردان تمایل به ارزش‌گذاری و پرداخت‌های بالاتر - تأمین رفاه بیشتر برای زن و حتی تعیین مهریه‌های بالاتر - دارند.

۲. افزایش درآمد مردان ممکن است تقاضای آنان را برای تعدد زوجات افزایش دهد.

۳. هنگامی که تعداد مردان بیشتر از زنان باشد، شرایط بازار ازدواج به سود زنان خواهد بود و بالعکس. به عبارت دیگر، بخش اعظم ارزش یک فرد در بازار ازدواج، به تعداد مردانی وابسته است که به دنبال همسر هستند، در مقایسه با تعداد زنانی که به دنبال شوهر هستند (کوهن، پیشین: ۲۰).

۲-۲- نظریه بازی‌ها^{۲۱}، رقابت و همکاری

بازار ازدواج را می‌توان از منظر نظریه بازی‌ها نیز مورد بررسی قرار داد. یک بازی، ارائه فنی وضعیتی است که افراد در مجموعه‌ای از وابستگی‌های متقابل با یکدیگر تعامل می‌کنند. یعنی، رفاه هر فرد نه تنها به اقدامات خود متکی است، بلکه به اقدامات سایر افراد (در این‌جا همسر) نیز وابسته است. در ضمن تصمیمات بهینه به انتظار او از اقدامات دیگران وابسته است (شاکری، ۱۳۸۵: ۳۰۳). در این‌جا هم حالت همکاری^{۲۲} و هم رقابت^{۲۳} امکان‌پذیر است. «در بازی‌های همکاریانه بازیکنان می‌توانند پیرامون قراردادهای حقوقی الزام‌آور مذاکره نموده و در مورد طراحی و اجرای استراتژی‌های مشترک به توافق برسند. در بازی‌های غیرهمکاریانه، انجام مذاکره و اجرای قراردادهای الزام‌آور مشترک امکان‌پذیر نیست.»

برخی مواقع، ماهیت بازی امکان همکاری طرفین را سلب می‌کند مانند هنگامی که اطلاعات نامتقارن وجود دارد و تنها یک بازی انجام می‌شود. از آن‌جا که ماهیت عقد ازدواج، برگشت‌ناپذیر و تکرارنشده است، امکان همکاری حداقل است. برای مثال، به محض ازدواج و نزدیکی، زوجه بکارت خود را از دست می‌دهد و در صورت شکست در ازدواج، دچار ضربه سنگین روحی و اجتماعی می‌شود. بنابراین، هر یک از زوجین و خانواده آن‌ها، به صورت عرفی و قانونی، بدون کمترین اغمازی تنها منافع خود را در نظر می‌گیرند. در این حالت ممکن است پرهزینه‌ترین حالت به عنوان استراتژی‌های تعادلی از سوی زوجین برگزیده شود. مانند دو قدرت متخاصم که به یکدیگر اعتماد ندارند و متعاقباً زرادخانه‌های خود را با هزینه‌هایی گزاف گسترش می‌دهند. زوجین و خانواده‌های آن‌ها نیز سخت‌ترین شرایط را برای ازدواج انتخاب می‌کنند، زیرا، به دیگری و شرایط آینده اعتماد ندارند، همانند زمانی که طبق شرط ضمن عقد، تعیین محل زندگی به زوجه سپرده می‌شود و یا اجازه طلاق از زوج به زوجه منتقل می‌شود.

با وجود این، در طول زندگی امکان همکاری بین زوجین، به علت تکرار وقایع بیشتر است. زیرا، هر یک از آن‌ها می‌دانند در صورت خدعه و عدول از شرایط مورد توافق، در مرحله بعد با واکنش

شدید طرف مقابل مواجه خواهند شد. برای مثال، طبق قانون، مهریه متعلق به زوجه، عندالمطالبه می‌باشد. معمولاً زوجه، مهر خود را مطالبه نمی‌کند، مگر هنگامی که قصد طلاق داشته و یا به واسطه عدول از تعهدات، قصد تنبیه زوج را داشته باشد. لذا، طلب مهریه به عنوان عاملی بازدارنده در مقابل خدعه احتمالی عمل می‌کند. در این حالت استراتژی «این به جای آن»^{۲۴} اعمال می‌شود؛ یعنی هر بازیکنی (زوج یا زوجه) همان گونه رفتار می‌کند که بازیکن دیگر در دوره قبلی انجام داد.

۲-۳- رقابت و انحصار

بازار ازدواج، رقابت انحصاری^{۲۵} با کالاهای ناهمگن است (کوهن، پیشین: ۱۸). این بازار انحصاری است، بدین معنا که در مقابل یک جنسیت (جنس مرد)، تنها یک جنسیت (جنس زن) قرار دارد. از طرف دیگر، این بازار، رقابتی است، بدین معنا که تمام مردان - با تفاوت‌های فرهنگی، نژادی، اجتماعی، اخلاقی، مذهبی، زبانی، جغرافیایی و غیره - شوهران بالقوه‌اند و تمام زنان، همسران بالقوه‌اند. در این بازار، زوجین آتی بر مبنای داوری ارزشی خود، همسری را انتخاب می‌کنند که در مقایسه با دیگر گزینه‌ها از ارزش پیش‌بینی شده^{۲۶} بالاتری برخوردار باشد. حال اگر تعداد زنان بیشتر از تعداد مردان باشد، منفعت کل ناشی از ازدواج به زنان می‌رسد و بالعکس. اما اگر تعداد زنان و مردان برابر باشد، در این صورت در خصوص منافع ناشی از ازدواج، نیاز به چانه‌زنی (فردی یا جمعی) وجود دارد. با این حال، این بازار به شدت غیرشفاف است. حتی اگر تعداد زنان بسیار بیشتر از مردان باشد، باز هم به دلیل عدم تقارن اطلاعات، نوعی انحصار وجود دارد (گراسبارد، پیشین: ۱۰).

۳. نارسایی‌های بازار ازدواج

بازار ازدواج به مانند هر بازار دیگری دارای کاستی‌ها و نارسایی‌هایی است. این کاستی‌ها در ذیل تحت چهار عنوان اطلاعات نامتقارن، پیامدهای خارجی، منفعت عمومی و عدم تقارن قدرت مورد بررسی مختصر قرار می‌گیرد.

۳-۱- اطلاعات نامتقارن^{۲۷}

اطلاعات نامتقارن یعنی وضعیتی که در آن یک عامل در حین انعقاد قرارداد از اطلاعات خاصی برخوردار باشد که طرف دیگر قرارداد از آن اطلاعات آگاهی ندارد.^{۲۸} برای مثال، ممکن است مرد مشکل اخلاقی یا سوءسابقه داشته باشد، ولی زن خبر نداشته باشد؛ یا نقصی در بدن زن وجود داشته باشد که تمتع جنسی را با مشکل مواجه سازد و مرد از آن اطلاعی نداشته باشد. در این حالت فرد با اطلاعات بیشتر می‌تواند فرد کم‌اطلاع را استثمار نموده و این رفتار فرصت‌طلبانه^{۲۹} قطعاً از کارایی بازار ازدواج خواهد کاست. در بازار کالاها، اطلاعات نامتقارن بنگاه‌ها را وسوسه می‌نماید تا کالای بد را به قیمت کالای خوب به مصرف‌کنندگان بفروشند. هم‌چنین، به این علت که مصرف‌کنندگان احتمال می‌دهند کالای خریداری شده کیفیت بدی داشته باشد، حاضر نیستند برای کالاهای با

کیفیت نامعلوم پول زیاد بپردازند. لذا، تولید و عرضه کالای خوب مقرون به صرفه نبوده و به تدریج، کالای بد کالای خوب را از بازار خارج می‌کند که نمونه‌ای از کاستی‌های بازار است. در بازار ازدواج نیز در صورت وجود اطلاعات نامتقارن، طرفین با حزم و احتیاط زیادی عمل می‌کنند و برای کیفیت عالی طرف مقابل (از نظر شخصیتی و اجتماعی) ارزش کافی قائل نمی‌شوند، زیرا، آن را نادرست می‌پندارند.

به طور کلی، اطلاعات نامتقارن موجب بروز دو نوع رفتار فرصت‌طلبانه انتخاب بد و مخاطره اخلاقی می‌شود. «انتخاب بد نوعی رفتار فرصت‌طلبانه است که در موقعیتی رخ می‌دهد که در آن یک فرد با اطلاعات بیشتر از مبادله سود برده و مزیت کسب می‌کند، یا اساساً در جایی بروز می‌کند که یک فرد مطلع با یک فرد با اطلاعات کمتر در مورد یک مشخصه خاص غیرقابل مشاهده^{۳۰} از وی (فرد مطلع) قرارداد می‌بندد» (شاکری، پیشین: ۴۵۷). برای مثال، زوجه از قدرت برنامه‌ریزی زوج در امور منزل یا صبر و استقامت وی در مشکلات اطلاعات چندانی ندارد و یا زوج از ویژگی‌های شخصیتی زوجه مانند میزان حسادت، چشم و هم‌چشمی، طریقه و سبک خریدهای مرتبط با منزل و سلیقه و نوع پوشش و سلوک وی در اجتماعات یا حتی باروری اطلاعی ندارد.

«مخاطره اخلاقی نوعی اقدام فرصت‌طلبانه است که در آن فرد با اطلاعات بیشتر از طریق یک اقدام غیرقابل مشاهده^{۳۱} از فرد با اطلاعات کمتر مزیت می‌گیرد» (همان: ۴۵۸) که در این‌جا موضوع بحث نمی‌باشد.

برای مقابله و محدود کردن مشکل کالای بد، راه‌های مختلفی وجود دارد.

نخست، تدوین قوانین و مقررات و حمایت‌های قانونی و الزام‌آور برای طرفین و عرضه اطلاعات قابل اعتماد توسط دولت یا شخص ثالث است. برای نمونه، در این رابطه باید به قوانین مدنی و مباحث ازدواج و خانواده اشاره نمود، و درباره سایر حمایت‌های قانونی می‌توان از الزام زوج به انجام آزمایش‌های عدم اعتیاد و تشخیص تالاسمی یاد کرد.

دوم، روش غربال کردن نام دارد که در بازار کالا، خدمات و کار به وفور به اجرا درمی‌آید. خریداران به واسطه افراد خیره بی‌طرف یا اطلاع از درجه شهرت بنگاه‌های مشهور به ارائه کالاهای باکیفیت، در مورد کیفیت آن‌ها باخبر می‌شوند. در مبحث ازدواج و تشکیل خانواده نیز، اطلاع از موقعیت و محیط رشد و نمو طرف مقابل، دوستان، محل کار، همسایه‌ها و حتی معیارهای شخصی برای انتخاب همسر نوعی غربال‌گری محسوب می‌شود.

سوم، روش وضع استانداردها و تأییدیه^{۳۲} کیفیت است که گروه‌های ذی‌نفع و یا حتی دولت می‌توانند واضع آن باشند. رسانه‌های گروهی، مراکز فرهنگی و اجتماعی و دانشگاه‌ها و حتی دولت با وضع برنامه‌هایی مردم را از مشکلات پیش‌رو در امر ازدواج مطلع می‌نمایند.

چهارم، روش علامت‌دهی برای مقابله با مشکل انتخاب بد است. بنگاه‌ها در بازار کالاها و خدمات با تضمین و تعهد و ارائه برچسب و علائم تجاری سعی می‌کنند به مشتریان در مورد کیفیت بالای کالای خود علامت بدهند. در امر ازدواج نیز طرفین با ارائه اطلاعات درصدد شناخت یکدیگر و انتخاب درست‌تر برمی‌آیند. شاید یکی از کاربردهای مهریه یا صداق را بتوان نوعی علامت‌دهی دانست.

۳-۲- آثار خارجی منفی

منظور از آثار خارجی در اقتصاد، «پیامدهای ناشی از تولید یا مصرف یک کالا توسط تولیدکننده یا مصرف‌کننده است که بر تولید یا تولیدکننده یا مصرف‌کننده دیگر تأثیر می‌گذارد» (گلریز، ۱۶۵: ۱۳۸۵). این پیامدها و آثار، توسط قیمت کالا منتقل نمی‌شوند و به دو صورت آثار خارجی مثبت (صرفه‌های خارجی) و منفی (همان: ۲۹۰ و ۳۳۴) در بازارها، به طور عام و در بازار ازدواج، به طور خاص جلوه می‌نمایند.

اکثر صاحب‌نظران معتقدند نهادهایی مانند طلاق و فسخ نکاح، نه تنها آثار خارجی منفی را بر سایر اعضای خانواده بالاخص فرزندان تحمیل می‌نمایند، بلکه سایر اعضای جامعه را نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند (کوهن، پیشین: ۱۲). بدین ترتیب با هر طلاق، هزینه‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند، بدون این‌که همه این هزینه‌ها بر زوجین به طور عام و بر زوج یا زوجه مقصر به طور خاص، تحمیل شود. حقوق خانواده به مانند حقوق محیط زیست و حقوق مسئولیت مدنی (کوتر و اولن، ۲۰۰۰: ۲۹۱ تا ۲۹۳) ابزاری جهت درونی‌سازی آثار خارجی منفی است. قوانین مرتبط با ولایت بر فرزندان، حضانت فرزندان، نفقه زوجه و کودکان و ارث، از جمله مواردی هستند که با تحمیل هزینه متناسب به مقصران و حمایت از گروه‌های در معرض زیان، درصددند آثار خارجی منفی را درونی‌سازی کنند.

بنابر نظریه‌های اقتصاد لیبرال، پیگیری نفع شخصی، منفعت عمومی و خیر اجتماعی را به همراه دارد. در بازار ازدواج، طرفین غالباً به منافع سایر اعضای خانواده نیز اهمیت می‌دهند؛ با این حال پس از ازدواج ممکن است یکی از زوجین وسوسه شود تا از ایفای تعهدات ناشی از ازدواج شانه خالی کند درحالی که طرف دیگر هنوز متعهد به عقد است. به دیگر سخن، یکی از زوجین با تحلیل هزینه - فایده^{۳۳} ممکن است نقض قرارداد ازدواج را تصمیمی مطلوب ببیند.

گرچه حقوق خانواده با وضع مقررات سخت‌گیرانه طلاق و فسخ ازدواج، به دنبال کاهش یا سلب فرصت‌طلبی‌های زوجین است، اما هنوز، نهاد خانواده و به ویژه فرزندان - به عنوان رکن مهم این نهاد - از آسیب مصون نگردیده‌اند (گریسون، ۱۹۹۱: ۷۲۰). در این راستا، هنجارهای مذهبی و اخلاقی نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

۳-۴- عدم تقارن قدرت

منبع دیگر ناکارآمدی در بازار ازدواج، قدرت نامتعادل زوجین آتی است. این مسئله در جوامع سنتی نمود بیشتری دارد و با ازدواج - که معمولاً زن را با مشغول ساختن به فعالیت‌های منزل به نهاد خانواده وابسته‌تر می‌کند و نیز فرصت‌طلبی شوهر، وی را در وضعیت وخیمی قرار می‌دهد - شدت بیشتری به خود می‌گیرد (سائوسیس، پیشین: ۳). حقوق خانواده، ابزار سیاستی مهمی در کاهش این نابرابری‌ها است. درج شروط ضمن عقد - که منافع بیشتری را برای طرف ضعیف‌تر به ارمغان می‌آورد - نیز بسیار مفید خواهد بود.^{۳۴}

۴. هزینه‌های ازدواج

اقتصاد در خط مقدم بحث هزینه و فایده حقوق قرار دارد (ولجانوسکی، پیشین: ۶۴ و ۶۵). اقتصاد حقوق ازدواج نیز از این امر مستثنی نیست. در این قسمت، ابتدا هزینه‌های ازدواج را مورد بررسی قرار داده و سپس مطالبی را در خصوص منافع ازدواج بیان می‌نماییم. تقسیم‌بندی‌های متفاوتی را می‌توان پیرامون هزینه‌های ازدواج ارائه نمود. از یک منظر، این هزینه‌ها را می‌توان به هزینه‌های قانونی، قراردادی و مرسوم تقسیم‌بندی نمود که در ذیل به طور مختصر بدان‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۱- هزینه‌های قانونی

این هزینه‌ها را از دو جنبه می‌توان مورد مطالعه قرار داد.

۱. هزینه‌هایی که ازدواج بر نظام حقوقی تحمیل می‌نماید. از یک سو، فرآیند انعقاد قرارداد ازدواج و تصمیم‌سازی‌های آتی زوجین، ذهن تمام قانون‌گذاران را به خود مشغول نموده است. افزایش مقررات‌گذاری در حوزه ازدواج در اکثر نظام‌های حقوقی، خود، گواهی بر این مدعا است (سائوسیس، پیشین: ۱). از سوی دیگر رسیدگی به دادخواست‌های طلاق، فسخ نکاح، نفقه، حضانت فرزندان و غیره، هزینه‌های گزافی را به نظام قضایی کشور تحمیل می‌کند. تصمیمات قانون‌گذاران و قضات در کنترل این دسته از هزینه‌ها که در اقتصاد حقوق تحت عنوان هزینه‌های اداری و اجرایی^{۳۵} شناخته می‌شوند، نقش بسزایی دارد (شاول، ۲۰۰۴: ۲۸۰ تا ۲۸۵).

۲. هزینه‌هایی که نظام حقوقی بر ازدواج تحمیل می‌نماید. این هزینه‌ها را می‌توان به دو دسته هزینه‌های ماهوی و شکلی تقسیم نمود. منظور از هزینه‌های ماهوی، آن هزینه‌هایی است که با ماهیت ازدواج مرتبط است. برای مثال، الزام به پرداخت نفقه و مهریه در قوانین مدنی و خانواده، بخشی از هزینه‌های ماهوی ازدواج است. در مقابل، هزینه‌های ثبت رسمی ازدواج (وفق ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، اخذ گواهی‌نامه‌های مربوط به سلامت و واکسیناسیون (وفق ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱) هزینه‌های شکلی ازدواج را تشکیل می‌دهند. هزینه‌های

مربوط به گواهی عدم امکان سازش (وفق مواد ۲۴ و ۵۶ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱)، ارجاع امر به داوری (وفق ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۰ و برگرفته از آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء)^{۳۶} و تشریفات اجرای صیغه طلاق (وفق ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی) جزئی از هزینه‌های شکلی نقض قرارداد ازدواج هستند. گاه، نظام حقوقی با کاهش هزینه‌های ازدواج و افزایش هزینه‌های نقض آن، به عنوان عاملی برای جلوگیری از نقض عقد ازدواج، عمل می‌نماید و گاه، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، هزینه‌های نهاد خانواده را افزایش داده و بر نرخ ازدواج و طلاق تأثیر می‌گذارد. در این راستا، قوانین خانواده به طور مستقیم و قوانین کار و امور استخدامی، مالیاتی و ... که افراد متاهل را نسبت به افراد مجرد از نظر ساعات کاری، دستمزد، بیمه، مالیات و غیره در وضعیت بهتر یا بدتری قرار می‌دهند - عموماً به طور غیرمستقیم، نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۴-۲- هزینه‌های قراردادی

این هزینه‌ها را می‌توان به دو دسته هزینه‌های پیش‌قراردادی و پس‌قراردادی تقسیم نمود. از هزینه‌های پیش از انعقاد عقد، می‌توان به هزینه‌های معاملاتی و از هزینه‌های پس از انعقاد عقد - هزینه‌های زندگی زناشویی - می‌توان به هزینه - فرصت‌های از دست رفته اشاره نمود.

الف. هزینه‌های معاملاتی^{۳۷}

بازار ازدواج، بازاری کاملاً توسعه‌یافته است و روش‌های بسیار متنوع و گاه متضادی را برای همسریابی ارائه می‌کند. با این حال، این بازار بسیار توسعه‌یافته به جای آن‌که به هزینه‌های معاملاتی - مانند جست‌وجوی دقیق و مداوم یک همسر مطلوب، مذاکره با وی و همچنین شرکت در جلسات مشاوره ازدواج و غیره - اندکی منتهی شود، بسیار پرهزینه است (کوهن، پیشین: ۱۸). دلایل این امر عبارت‌اند از:

۱. بازار ازدواج، بازار مبادله پایاپای دو روح است. به دلیل اهمیت جنبه روحی و روانی در این بازار، یک جست‌وجوی محتاطانه و با دقت برای طرفین، حیاتی است.
۲. کالاها، خدمات یا فرآیندهایی که در سایر بازارها مبادله می‌شوند، گاهی از طریق یک مشاهده یا معاینه ساده قابل بررسی و ارزشیابی هستند و گاهی نیز به دلیل پیچیدگی بیشتر، مستلزم بررسی‌های چند متخصص و کارشناس هستند تا اطمینان لازم به وجود آید. انسان، موجودی پیچیده و با ابعاد مختلف روحی و روانی است. از یک سو، انسان‌ها عموماً در امر ازدواج، کارشناس و خبره نیستند که مراجعه به متخصصان امور خانواده تا حدودی می‌تواند مفید افتد. از سوی دیگر، رفتارهای انسانی - به مانند یک کالا یا خدمتی خاص - حالت ایستا نداشته و در شرایط مختلف - استراتژی‌های رفتاری به ویژه در جهت نفع شخصی فرد - متفاوت خواهد بود. این رفتارها که تحت

عنوان نظریه بازی‌ها در علم اقتصاد مطرح می‌باشد (ناک و برینیگ، ۲۰۰۲: ۱۸۵) شناخت افراد را با مشکل مواجه ساخته و متعاقب آن هزینه‌های معاملاتی را افزایش می‌دهد.

۳. دو مسئله مهم در امر ازدواج وجود دارد. نخست، چگونه پیام آمادگی یک فرد به ازدواج به مجموعه مناسبی از شرکت‌کنندگان در بازار منتقل شود و چگونه پیام‌ها دریافت شود؟ دوم، موقعیت فرد باید از وضعیت یک غریبه به وضعیت یک فرد آشنا و مورد اطمینان تغییر کند (کوهن، پیشین: ۱۹). وجود سوءاستفاده‌ها و انواع بهره‌کشی‌های جنسی موجب می‌شود تا اعتماد و اطمینان به طرف مقابل به راحتی امکان‌پذیر نگردد.

۴-۲-۱- هزینه - فرصت‌های از دست رفته^{۳۸}

ارزش اقدام یا عملی که شخص می‌توانسته صورت بدهد، ولی به علت دست زدن به فعالیتی دیگر انجام نداده است را هزینه - فرصت‌های از دست رفته گویند (گلریز، پیشین: ۳۰۶). برای درک بهتر هزینه - فرصت‌های از دست رفته، به این مثال توجه کنید:

«آقای الف و خانم ب دانشجویان رشته حقوق هستند. پس از مدتی آقای الف از خانم ب خواستگاری می‌کند. خانم ب پس از تحقیقات و مذاکراتی که انجام می‌دهد (هزینه‌های معاملاتی) آقای الف را مناسب خویش درمی‌یابد و با وی ازدواج می‌نماید. پس از ازدواج، آقای الف به حرفه وکالت مشغول می‌شود، درحالی که خانم ب ممکن است یکی از این دو روش را انتخاب نماید: ۱. به مانند همسرش، به حرفه وکالت مشغول شود و مسئولیت‌های خانه بین آن‌ها تقسیم گردد. پس از مدتی آن‌ها تصمیم به داشتن فرزندی می‌گیرند. پس از تولد فرزند، خانم ب شغل خود را رها کرده و به طور اختصاصی به نگهداری از فرزند می‌پردازد و در مقابل، شوهرش با جدیت هرچه بیشتر شغل خویش را ادامه می‌دهد. ۲. خانم ب بعد از ازدواج، وظیفه خانه‌داری را به عهده می‌گیرد.»

در مثال فوق چندین هزینه وجود دارد:

۱. آقای الف و خانم ب با ازدواج با یکدیگر، ممکن است فرصت ازدواج با شخص مناسب‌تری را از دست بدهند (هزینه - فرصت‌های از دست رفته). البته ممکن است جست‌وجوی اضافی همسر (هزینه‌های معاملاتی بالاتر)، موقعیت کنونی طرفین را از بین ببرد.

۲. خانم ب در انتخاب اول با تولد فرزند و در انتخاب دوم پس از ازدواج، در تولید کالاهای خاص ازدواج^{۳۹} یا سرمایه‌انسانی^{۴۰} سرمایه‌گذاری نموده است، درحالی که سرمایه‌گذاری شوهر وی در جهت انباشت سرمایه بیرونی بوده است (انگلند و فارکاس، ۱۹۸۶: ۵۵). به عبارت دیگر، توجه با مشغول شدن به خانه‌داری، گرچه مهارت تولید دارایی‌های خاص خانواده را کسب کرده است، اما این دارایی‌ها در خارج از خانواده، ارزش چندانی ندارند (هزینه - فرصت‌های از دست رفته). این در حالی است که ظرفیت درآمدزایی شوهرش افزایش پیدا کرده است. با انحلال ازدواج، زن به دلیل هزینه - فرصت‌های از دست رفته در وضعیت بدتری قرار می‌گیرد در حالی که مرد حتی ممکن است در

وضعیت بهتری قرار بگیرد (گریسون، ۱۹۹۱: ۷۲۰). جمله اخیر نشان می‌دهد این ازدواج پیش از انحلال با کارآمدی پارتویی^{۴۱} همراه بوده است. قواعد خانواده از طریق وضع قواعد طلاق مبتنی بر تقصیر یا ضمانت اجرای جبران خسارت، مانع طلاق‌های ناشی از فرصت‌طلبی می‌شود و زمینه‌های انحلال نکاح را کاهش می‌دهد.

۴-۳- هزینه‌های مرسوم

جامعه و هنجارهای قومی، محلی و منطقه‌ای، گرچه نهاد ازدواج و خانواده را استحکام بخشیده و در مقابل تخطی هر یک از زوجین از تعهدات ازدواج، ضمانت اجراهای اخلاقی و عملی را پیش‌بینی می‌کنند، با این حال هزینه‌هایی مانند شیربها، هزینه‌های تشریفات مراسم ازدواج و غیره را بر زوجین تحمیل می‌کنند. میزان و نوع این هزینه‌ها ممکن است از منطقه‌ای به منطقه دیگر و از نژادی به نژاد دیگر متفاوت باشد. این هزینه‌ها ممکن است بخش اندکی از هزینه‌های ازدواج را شامل شود و یا قسمت عمده هزینه‌های ازدواج را تشکیل دهد، با این حال در ایران، بررسی‌های آماری در این خصوص انجام نگرفته است.

۵. کارآمدی در عقد ازدواج

هرچند سرانجام نهایی عشق ممکن است به صورت ازدواج تجلی یابد، اما هم‌چنین می‌تواند به عنوان محملی برای انتخاب عقلایی^{۴۲} در نظر گرفته شود. افراد وقتی مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کنند که برای نیل به اهدافشان نیازمند کمک دیگران باشند (اسکات، پیشین: ۴۱). طرفین بدین دلیل که معتقدند سود مشترک ناشی از توافق الزام‌آورشان - حتی اگر این سود در قالب رضایت خاطر^{۴۳} جلوه‌گر شود - از سودی که هر یک به تنهایی می‌توانستند به دست بیاورند، فراتر می‌رود، از برخی آزادی‌های آتی خود صرف‌نظر می‌کنند و به همکاری و مشارکت همراه با عشق و علاقه متعهد می‌شوند. بنابراین، ازدواج تعهدی ارادی است که معمولاً پس از تفکر و تأملی قابل ملاحظه - هرچند ناقص - به وجود می‌آید. با ازدواج، زوجین از خدمات مکمل یا جانشین یکدیگر بهره‌مند می‌شوند. به عبارت دیگر، قرارداد ازدواج برای زوجین تا اندازه‌ای نقش قرارداد بیمه را دارد. قراردادی که زوجین آتی با پذیرش ریسک - مانند مراقبت و پرستاری در زمان بیماری و ازکارافتادگی - و مخاطرات ناشی از انحلال آن، تأمین خدمات حیاتی خاصی را در قبال طرف دیگر به عهده می‌گیرند.

از طرف دیگر، توافقات داوطلبانه در تخصیص کارآمد منابع کمیاب جامعه، نقشی اساسی ایفا می‌کند (پارکمن، پیشین: ۵۷). تقسیم کار در خانواده‌های سنتی که در آن مادر وظیفه مراقبتی را در خانه به عهده دارد و پدر در خارج از خانه به دنبال تأمین مالی افراد وابسته به خود است، احتمالاً کارآمد است، چرا که این خدمات مکمل به توسعه مهارت‌های خاص زوجین می‌انجامد (روثرون، پیشین: ۱۳۲). هم‌چنین ازدواج با صرفه‌جویی در مقیاس^{۴۴} همراه است. در حالت تجرد، هر یک از

زن و مرد موظف به تهیه مسکن، کسب درآمد، انجام فعالیت‌های درون خانه و غیره هستند. حال آن‌که با ازدواج، زوجین در استفاده از اموال، حمایت در اوقات سختی، مراقبت در زمان بیماری و ازکارافتادگی و غیره به طور مشترک اقدام می‌نمایند (همان: ۱۳۳).

به جز این منافع ابزاری که ناشی از پیش‌بینی و توقع اجرای تعهدات قرارداد ازدواج است، صرف انعقاد عقد ازدواج نیز با دو منفعت همراه است (کوهن، پیشین: ۱۲):

۱. ورود به یک حالت مقدس که ناشی از پیوند روحی و معنوی دو فرد است. این پیوند، آهنگی مذهبی یا روانی را در روح انسان می‌نوازد.

۲. تمایل فرد به تعهدی دائمی در برابر فردی دیگر، نمایان‌گر عشقی عمیق و ابدی بوده و مدرکی ارزشمند دال بر این مسئله است که طرف مقابل ارزش و استحقاق چنین عشقی را دارد.

۶. سرمایه‌گذاری بلندمدت

ازدواج به عنوان عقدی بلندمدت، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت نیز می‌باشد. این سرمایه‌گذاری‌ها، در ازدواج‌های سنتی به صورت تقسیم وظایف بیرون و درون منزل و تخصصی شدن فعالیت‌های هر یک از زوجین تجلی می‌یابد (خدمات مکمل). اما، در جوامع مدرن گاه به صورت فعالیت هم‌زمان زوجین در بیرون از خانه و تقسیم وظایف داخل خانه (خدمات جانشینی و مکمل) رخ می‌نماید. با این حال، معمولاً در هر ازدواجی، فرزندان مهم‌ترین سرمایه‌گذاری بلندمدت و دارایی خاص خانواده هستند (همان: ۱۳). این سرمایه‌گذاری بلندمدت در صورتی انجام خواهد شد که:

۱. زوجین در خصوص اجرای تعهدات یکدیگر، احساس امنیت نمایند.
۲. این دارایی خاص، برای آن‌ها سود خالصی به همراه داشته باشد، بدین معنی که منافع آن نسبت به هزینه‌هایش بیشتر باشد. درباره مسئله هزینه فایده فرزندان به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- منافع و هزینه‌های ناشی از فرزندان، تمام طول زندگی را دربر می‌گیرد. پایداری سرمایه‌گذاری، نقش مهمی در تداوم این عقد دارد. به سخن دیگر، فرزندان در خانواده نقش یک سهام وثیقه را دارند که در صورت انحلال قرارداد، منافع آن تعدیل می‌شود. ماده اصلاحی ۱۱۶۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۸۲؛ «برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوی او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است»، بیان‌گر محرومیت نسبی هر یک از زوجین از این سهام وثیقه و تولید خاص خانواده است. علاوه بر تأثیر فرزندان، بر انحلال ازدواج و ثبات خانواده، انحلال ازدواج نیز بر فرزندان مؤثر است و گاه آثار منفی جسمانی، عاطفی، روانی و اقتصادی را برای آن‌ها به بار می‌آورد (اسپات، ۲۰۰۴: ۹۵).

- در جوامع سنتی کودکان به عنوان کالاهای سرمایه‌ای قلمداد می‌شوند. این امر به خصوص در جوامع کشاورزی نمود بیشتری دارد.
- برخی رابطه والدین با فرزندان را نوعی قرارداد ضمنی و عقد بیمه تلقی می‌نمایند. در چنین قرارداد ضمنی، وظیفه والدین، حمایت، حضانت، آموزش و پرورش دینی فرزندان است و در مقابل، فرزندان موظف به احترام، اطاعت، نگهداری و حمایت مالی والدین در دوران کهنسالی می‌باشند^{۴۵} (فولبر، ۲۰۰۱: ۳۹ و برینیگ، ۱۹۹۴: ۲۹۹ و ۳۰۰).
- نگهداری و حضانت فرزندان، گرچه ممکن است هزینه‌های گزافی را به همراه داشته باشد، اما عموماً فعالیت مصرفی ارزشمندی است. به عنوان مثال، برای یک پدر ممکن است صرف وجود فرزند، لذت‌بخش باشد و از موفقیت وی خوشحال شود، اما معتقد باشد که حضور فرزند یک بار محسوب می‌شود، درحالی که مادر ممکن است نسبت به موفقیت فرزندان خود بی‌تفاوت باشد، اما دوست داشته باشد که آن‌ها در کنار وی باشند (کوهن، پیشین: ۱۴).

نتیجه‌گیری

۱. پیش‌داوری یا درک نادرست از نهاد ازدواج به عنوان نهادی که صرفاً با عشق، وفاداری و از خودگذشتی همراه است و عدم توجه به مباحث حقوقی - اقتصادی آن، در وهله اول راه را برای سوءاستفاده یا فرصت‌طلبی هر یک از زوجین - از طریق تحمیل شروط غیرمنصفانه و یا نقض ناکارآمد عقد ازدواج - هموار می‌سازد و در وهله دوم، از یک سو، آثار خارجی منفی را به سایر اعضای جامعه بالاخص فرزندان تحمیل می‌کند و از سوی دیگر، هزینه‌های قانون‌گذاری و قضایی را افزایش می‌دهد.
۲. اگرچه اعمال مفاهیم کارآمدی، عرضه و تقاضا، رقابت و انحصار، هزینه - فرصت‌های از دست رفته، هزینه‌های معاملاتی، صرفه‌جویی در مقیاس و غیره، احتمالاً از سوی خوش‌بین‌ترین اندیشمندان و موافقان رویکرد اقتصادی به حقوق، به راحتی در حقوق خانواده ایران پذیرفته نمی‌شود، با این حال نظام قانونی و قضایی در تصویب، تفسیر و اجرای قوانین، حتی‌الامکان باید این نگرش را - هرچند جزئی - در کنار سایر رویکردها مدنظر داشته باشد. به عبارت دیگر، پیش‌بینی انگیزه‌های پیشینی^{۴۶} زوجین از تصمیم‌سازی‌های ازدواج و تطبیق آن با انگیزه‌های پسینی^{۴۷} موضوعی است که حقوق ازدواج در ایران، به عنوان بخشی از حقوق خانواده، از آن غفلت کرده است. این امر موجب می‌شود نهادهایی مانند مهریه که بر مبنای فلسفه خاصی مورد پذیرش قرار گرفته است، برای رفع نارسایی‌های دیگر به کار گرفته شود.
۳. نقش حقوق در نهاد ازدواج، تعیین و تبیین ضوابط کلی و حداقل حمایت‌های قانونی و قالب-بندی هنجارهای کنونی جامعه است. اگر قوانین ازدواج در راستای شفاف‌سازی هنجارهای مورد

پذیرش جامعه عمل نمایند، کاهش هزینه‌های معاملاتی و کارآمدی و ثبات نهاد ازدواج را به همراه خواهند داشت، اما در صورتی که قوانین به صورت ناکارآمد وضع شوند، ثبات این نهاد را متزلزل می‌نمایند. بنابراین، قوانین باید به مثابه ابزارهای جامعه در هدایت و حمایت از نهاد خانواده عمل کنند.

۴. تهیه فهرست جامعی از شروط ضمن عقد که مطابق مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی، فرهنگی و غیره باشد، نه تنها هزینه‌های معاملاتی ازدواج و تصمیم‌سازی‌های آتی زوجین را کاهش می‌دهد، بلکه هم‌چنین هزینه‌های نظام قانون‌گذاری و قضایی کشور را کم کرده و نقش پرکننده خلاء قوانین را ایفا می‌نماید. توضیح این که قانون، از پیش‌بینی تمام جزئیات زندگی زوجین آتی یا از درج ترجیحات فردی افراد مختلف عاجز است، حال آن‌که زوجین آتی می‌توانند بر مبنای معیار انتخاب عقلایی، اولویت‌های شخصی خود را وارد قرارداد ازدواج نمایند یا از فهرست شروط ضمن عقد در قباله ازدواج، یک یا چند مورد را انتخاب کنند.

۵. ویژگی خاص عقد ازدواج و ارتباط آن با نظم عمومی و مصالح دیگر اعضای خانواده و جامعه موجب شده تا قانون‌گذاران تنها در موارد اندک و البته عمده و مهم، عدم ارائه اطلاعات را مسمول ضمانت اجراهای قانونی گردانند. به همان دلایل فوق‌الذکر، زوجین و خانواده‌های آنان، به تنهایی موظف به انجام تحقیقات کامل و کسب اطلاعات کافی در خصوص یکدیگر می‌باشند - هرچند این امر به طور کامل امکان‌پذیر نیست.

۶. الزام به رعایت تشریفات ثبت رسمی در نکاح دائم (۴۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)، در مقایسه با نکاح موقت که ثبت رسمی آن (جز در موارد مذکور در ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱) الزامی نیست، هزینه‌های شکلی بیشتری را به همراه دارد. با این حال، به دلیل کارکرد شفاف‌سازی، اجرای حقوق و وظایف قانونی و قراردادی زوجین را تسهیل نموده و از بروز اختلافات احتمالی جلوگیری می‌کند. بنابراین، ضمن کاهش فرصت‌طلبی‌های ازدواج، کارکرد پیام‌دهی ازدواج را نیز پررنگ‌تر می‌سازد.

۷. سیاست‌های دولت و خانواده‌ها باید بر مقابله با مشکل اطلاعات نامتقارن و کاهش عدم کارایی بازار ازدواج متمرکز شود.

۸. مباحث مطروحه، نافی اهمیت اخلاق و مذهب در امر مقدس ازدواج نیست. به دیگر سخن، نه تنها در حقوق ایران، بلکه در اکثر نظام‌های حقوقی نهاد خانواده مقدس انگاشته شده و هم‌چنان رویکرد اخلاقی و مذهبی به امر ازدواج رایج است.

پی‌نوشت‌ها

1. Economics
2. Oekonomos
3. Adverse selection
4. Moral hazard

۵. منافع در اینجا لزوماً کالا یا خدمت نیست بلکه همه چیزهایی است که مطلوب افراد واقع می‌شود.
6. Marriage contract as a signal
۷. یعنی شرایط مورد نظر زوجین از یک ازدواج سالم، پایدار و آینده‌دار که ارزش سرمایه‌گذاری مال، احساس و عمر را داشته باشد.
۸. سرمایه‌گذاری در ازدواج می‌تواند شامل سرمایه‌گذاری در پرورش فرزندان، صرف عمر و احساس افراد و چشم‌پوشی از بسیاری روش‌های دیگر زندگی مانند ادامه تحصیل، اشتغال و امثالهم باشد.
9. Property rule
10. Specific-marriage investments
11. Family goods
12. Positive externalities
13. Standard of care
14. Veil of ignorance
15. Principal-agent
16. Paternalist
17. Pareto optimality
18. Kaldor-Hicks
19. Gary Becker
20. Rational man
21. Game theory
22. Cooperation
23. Competition
24. Tit for tat
25. Monopolistically competitive
26. Ex-ante
27. Asymmetric Information
۲۸. برای بحث مفصل‌تر در این رابطه رجوع شود به: شاکری، عباس (۱۳۸۵)، اقتصاد خرد ۲، نظریه‌ها و کاربردها، نشر نی، فصل اقتصاد اطلاعات
29. Opportunistic behavior
30. Unobserved characteristic
31. Unobserved action
32. Standards and certification
33. Cost and benefit analysis
۳۴. البته در مورد طرف ضعیف ازدواج نباید پیش‌داوری کرد. لزوماً جنس مونث در همه جا ضعف‌تر نیست.
35. Administrative costs
۳۶. «و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها ان یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما ان الله کان علیما خبیرا» (نساء/۳۵): و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو همسر بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید. اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند خداوند به توافق آن‌ها کمک می‌کند، زیرا خداوند دانا و آگاه است.
37. Transaction costs
38. Opportunity cost
39. Marriage-specific production
40. Human capital
41. Pareto efficiency
42. Rational choice

43. Hedonic property

44. Economics of scale

۴۵. شاید بتوان یکی از دلایل رشد منفی جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته را در کاهش همین فواید دانست. به عبارت دیگر در برخی کشورهای مدرن با گسترش نظام دولت رفاه و خانه سالمندان، نقش فرزندان به عنوان کالاهای سرمایه‌ای و نگرش بیمه‌ای به آنان کاهش یافته است.

46. Ex-ante

47. Ex-post

منابع

- شاگری، ع. (۱۳۸۵)، *اقتصاد خرد ۲، نظریه‌ها و کاربردها*، نشر نی.
- صفایی، م. و امامی، ا. (۱۳۸۸). *مختصر حقوق خانواده*، چاپ هفدهم، تهران، نشر میزان.
- عراقی، ع. (۱۳۸۶). *حقوق کار*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
- گلریز، ح. (۱۳۸۵). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین‌الملل*، چاپ دوم، تهران، فرهنگ معاصر.

قوانین

۱. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.
۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.
۳. قانون مدنی جلد اول (مصوب ۱۳۰۷) و دوم (مصوب ۱۳۱۳-۱۳۱۴).
۴. قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش مصوب ۱۳۷۶.

- Babcock, B.A. (1978). *Sex Discrimination and the Law: Causes and Remedies*, Boston, Brown Clark.
- Bix, B (1998). Bargaining in the Shadow of Love: The Enforcement of Premarital Agreements and How We Think About Marriage, *William and Mary Law Review* 40, pp 145-207.
- Brinig, M (1994). Finite Horizons: The American Family, *International Journal of Children's Rights* 2, pp 293-315.
- Brinig, M (2000). *From Contract to Covenant: Beyond the Law and Economics of the Family*, Cambridge, Harvard University Press.
- Cohen, L (1987). Marriage, Divorce, and Quasi Rents: or, 'I Gave Him the Best Years of My Life', *Journal of Legal Studies* 16, 267-303.
- Cohen, L (2004). *Marriage: The Long-Term Contract*. In Antony W. Dnes and Robert Rowthorn eds. *The Law and Economics of Marriage and Divorce*, Cambridge University Press, pp. 10-34.
- Cooter, R and Ulen, T (2000), *Law and Economics*, 3rd ed, Longman, Addison Wesley.
- Dnes, A(2004). *Cohabitation and Marriage*. In Antony W. Dnes and Robert Rowthorn eds. *The Law and Economics of Marriage and Divorce*, Cambridge, Cambridge University Press, pp 118-131.
- Eekelaar, J and Mavis, M (1986). *Maintenance after Divorce*, Oxford University Press.
- England, P and Farkas G(1986). *Households, Employment and Gender: A Social, Economic and Demographic View*, Hawthorne, NY: Aldine.

- Folbre, N (2001). *The Invisible Heart: Economics and Family Values*, New York, The New Press.
- Garrison, M (1991). *Good Intentions Gone Awry: The Impact of New York's Equitable Distribution Law on Divorce Outcomes*, *Brooklyn Law Review* 57, pp 621-754.
- Grossbard, Sh (2007). *The Economics of Marriage*, San Diego State University, pp 1- Available at: www.cesifo-group.de/link/lecture-grossbard-1.pdf
- Grossbard, Sh and Lemennicier, B(2000). *Marriage contracts and the law-and-economics of marriage: an Austrian perspective*, *The Journal of Socio-Economics*, vol. 28(6), pp 665-690
- Krause, H (2000). *Marriage for the New Millennium: Heterosexual, Same Sex – Or Not at All?* *Family Law Quarterly* 34, pp 271-300.
- Nock Steven, L and Brinig, M (2004). *Weak men and disorderly women: divorce and the division of labor*. In Antony W. Dnes and Robert Rowthorn eds. *The Law and Economics of Marriage and Divorce*, Cambridge University Press, pp 171-190.
- Rasmusen, E and Evans Stake, J (1998). *Lifting the Veil of Ignorance: Personalizing the Marriage Contract*, *Indiana Law Journal* 73, 453-502.
- Parkman, A (2004). *Mutual consent divorce*. In Antony W. Dnes and Robert Rowthorn eds. *The Law and Economics of Marriage and Divorce*, Cambridge University Press, pp 57-69.
- Rowthorn, R (2004). *Marriage as a signal*. In Antony W. Dnes and Robert Rowthorn eds. *The Law and Economics of Marriage and Divorce*, Cambridge University Press, pp 132-156.
- Scott, E (2004). *Marital commitment and the legal regulation of divorce*. In Antony W. Dnes and Robert Rowthorn eds. *The Law and Economics of Marriage and Divorce*, Cambridge University Press pp 35-56.
- Scott, E (1990). *Rational Decision-making about Marriage and Divorce*, *Virginia Law Review* 76, pp 9-94.
- Shavell, S (2004). *Foundations of Economic Analysis of Law*, Harvard University Press.
- Siow, A (2003). *The Economics of Marriage 30 Years after Becker*, University of Toronto, Department of Economics, 2003 CEA meetings in Ottawa. Available at: www.economics.utoronto.ca/siow/papers/becker.pdf
- Spaht, K (2004). *Louisiana's Covenant Marriage Law: Recapturing the Meaning of Marriage for the Sake of the Children*. In Antony W. Dnes and Robert Rowthorn eds. *The Law and Economics of Marriage and Divorce*, Cambridge University Press, pp 92-117.
- Tsaoussis, A (2006). *Less Status, More Contract: An Economic Analysis Of Contract Marriage*, Aristotle University of Thessaloniki; Athens University of Economics & Business, pp 1-18.
Available at :http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1119664
- Veljanovski, C (2006). *The Economics of Law*, 2nd ed, London, Great Britain pub.
- Zelder, M (2004). *For better or for worse? Is bargaining in marriage and divorce efficient?* In Antony W. Dnes and Robert Rowthorn eds., *The Law and Economics of Marriage and Divorce*, Cambridge University Press, pp 157-170.